

مسئولیت در فرض اجتماع عاملین ورود زیان، با تأکید بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۸

تاریخ تأیید: ۹۷/۵/۳

سام محمدی*
محمد حسین تقی پور
درزی نقیعی

چکیده

اگر شخصی به مباشرت، مرتکب فعل زیانباری شود، احراز رابطه سببیت بسیار آسان است؛ زیرا با اثبات این مطلب که ضرر وارد شده به علت فعل شخص بوده است، به رابطه سببیت حکم می‌شود. گاهی اجتماع سبب و مباشر و یا اجتماع اسباب اتفاق می‌افتد، یعنی چند سبب و یا یک یا چند سبب و مباشر، موجب بروز زیان می‌شوند. در این فرض، بحث این است که کدام یک از اسباب و یا مباشر ضامن هستند و حدود مسئولیت هر یک چه اندازه است؟ با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانونگذار نوآوری‌هایی را در زمینه مسئولیت مباشر و سبب در فرض اجتماع اسباب و نیز اجتماع سبب و مباشر ایجاد نموده است. در این تحقیق به بررسی نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی در مسئله مسئولیت مباشر و سبب در فرض اجتماع اسباب و اجتماع سبب و مباشر می‌پردازیم تا تحولات ایجاد شده به شکل ملموس‌تری تبیین شود.

واژگان کلیدی: مباشر، سبب، تعدد اسباب، مسئولیت، تاثیر، مقدار تقصیر.

*. دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران / نویسنده
مسئول (sammohammadi@yahoo.com).
**. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مازندران (mohammadhosein_taghipoor@yahoo.com).

مقدمه

فرض کنید ساختمانی تخریب و این امر موجب خسارت به املاک مجاور شود. در نظریه کارشناسی اعلام می‌شود دو عامل بطور مساوی در تخریب موثر است: اول، عدم رعایت اصول فنی و به کارگیری مصالح غیر استاندارد به وسیله پیمانکار و دوم، ارتکاب تخلف و عدم نظارت صحیح مهندس ناظر بر تمام یا قسمتی از عملیات ساختمانی و در نتیجه عدم انطباق ساختمان با مشخصات مندرج در نقشه و پروانه ساخت. در این فرض، کدام یک از این عوامل را باید سبب اصلی ایراد خسارت دانست و مسئولیت جبران ضرر بر عهده کدام است؟ یا شخصی در اثر حادثه ای مجروح می‌شود و در بیمارستان پس از عمل جراحی فوت می‌نماید. عوامل متعدد ممکن است در مرگ او دخالت داشته باشند، برخورد با اتومبیل، تاخیر در کمک‌های اولیه، عدم مهارت جراح، عمل نامشروع کارفرمای مقتول که او را بیش از ساعات قانونی به کار گمارده است و مقتول دیرتر از معمول محل کار را ترک کرده و با اتومبیلی که در آن ساعت از محل حادثه عبور می‌کرده تصادف نموده است. در این فرض، کدام یک از این عوامل را باید سبب اصلی ایراد خسارت دانست و مسئولیت جبران ضرر بر عهده کدام است؟ (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۵)

اغلب خسارات دارای اسباب و علل متعدد هستند و سهم هر یک از این اسباب نیز به شکلی است که اگر یکی از آنها وجود نداشته باشد، اساساً خسارتی بوجود نخواهد آمد (عیسائی تفرشی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۹۹). بحث مقاله حاضر نیز در جایی مطرح می‌شود که حداقل دو نفر در زیان وارد شده دخیل باشند و عاملین متعدد زیان نیز به شکل مباشر یا سبب یا اجتماع اسباب موجب بروز خسارت گردند.

انجام فعل زیانبار به صورت مباشرت در ایجاد ضرر ممکن است توسط چند شخص انجام گیرد به طوری که ضرر وارد شده معلول فعل تمامی مباشرین باشد، در این فرض بدون تردید، همه مسئول هستند (قربانپور، ۱۳۸۵، ص ۱۵).

نکته مهم این است که تنها عوامل انسانی را می‌توان در حالت سببیت مسئول شمرد و مشمول ضمان قهری قرار داد. بنابراین اگر سبب طبیعی یا حادثه خارجی یک سبب و فعل انسانی سبب دیگر تلف را تشکیل دهد، در صورت اجتماع شرایط ضمان، سبب انسانی ضامن است (افتخاری، ۱۳۸۷، ص ۱۳).

در اسباب متعدد در ایجاد خسارت، یک نظر این است که اگر اسباب متعدد در ایجاد خسارت دخالت داشته باشند، هر سبب، سبب کل خسارت است. یعنی هر عامل از عوامل متعدد به تنهایی سبب کل ضرر و زیان به شمار می آید؛ زیرا دخالت آن سبب برای ایجاد خسارت ضروری است و بدون آن سبب خسارت اصلاً ایجاد نمی شود (عیسائی تفرشی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۲۰۳) در اجتماع اسباب به شکل طولی، مشهور فقها اولین سبب را ضامن دانسته اند. منظور از اولین سبب آن است که در تلف زودتر و پیشتر اثر داشته باشد. نظر دیگر ضامن دانستن هر دو است و نظر سوم ضامن دانستن سبب قویتر است (محمدی، ۱۳۹۰، ص ۳۴) در اجتماع سبب و مباشر به شکل عرضی مشهور فقها مباشر را مسئول می دانند، مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد (نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۳۷/ صص ۵۵-۵۴) برخی از علمای حقوق در اجتماع اسباب، ضامن دانستن سبب متعارف و اصلی را به جهت متمایز کردن سبب خسارت از شرایط ایجاد آن منطقی می دانند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱/ ص ۲۶۷)

یکی از معیارهای مسئولیت در اجتماع اسباب و مباشر، مسئولیت بر اساس معیار میزان تقصیر (درجه تقصیر) است، هر قدر تقصیر بیشتر باشد، به همان نسبت خسارت بیشتری بر عهده مقصر مستقر می شود. برای مثال، اگر مشخص شود شخصی ۴۰ درصد در وقوع خسارت مرتکب تقصیر شده است، به همان میزان باید خسارت بپردازد (خدابخشی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۲) در حقوق ایران در ماده ۱۶۵ قانون دریایی مصوب ۲ آبان ۱۳۴۲ معیار میزان تقصیر را مورد پذیرش قرار داده است، ماده مذکور مقرر می دارد: «اگر دو یا چند کشتی مرتکب خطا شوند، مسئولیت هر یک از کشتی ها متناسب با اهمیت تقصیری است که از آن کشتی سر می زند...» در حقوق ایران اصولاً درجه تقصیر را نباید در میزان مسئولیت ملاک قرار داد. بنابراین برخی از مقررات موجود که ملاک را میزان تقصیر می دانند، باید استثناً تلقی نمود. به همین جهت شیوه مرسوم در میان کارشناسان تصادفات رانندگی صحیح نیست و با مبانی حقوق ما سازگاری ندارد. به همین جهت، اگر هر دو طرف مرتکب تقصیر شده باشند، با توجه به اصول و ضوابط، هر دو مسئولند بدلیل اینکه با ارتکاب تقصیر، به حکم منطقی، سبب ورود خسارت به شمار می روند و بر طبق قاعده هر سببی باید به اندازه ای که خسارت وارد نموده است مسئول باشد (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص

۳۵۴) در این مقاله در صدد پاسخ گویی به این سئوالات هستیم که زیان دیده چگونه می تواند از مسئولان متعدد، مطالبه جبران خسارت نماید؟ آیا تفاوتی در میزان و اصل مسئولیت در اجتماع اسباب در فرض تعدد اسباب طولی و عرضی وجود دارد؟ آیا برای رجوع به مسئولان متعدد، معیار میزان تاثیر هریک از این اسباب است؟ در این خصوص قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ متضمن نوآوری هایی است که در این مقاله با رویکردی تحلیلی به تبیین آنها خواهیم پرداخت.

اجتماع مباشر و سبب

اجتماع مباشر و سبب به دو صورت عرضی و طولی، مطرح می شود. در اجتماع سبب و مباشر به شکل عرضی تاثیر دو عامل همزمان بوده و برآیند هر دو، موجب مرگ یا صدمه یا خسارت می شود. مانند چاقو زدن به قربانی و سمی کردن غذای وی توسط دو نفر و حدوث مرگ در اثر هر دو اقدام، به طوری که پزشکی قانونی، جرح در اثر چاقو و ورود سم به بدن قربانی را مشترکاً عامل مرگ اعلام نماید. اجتماع سبب و مباشر در فرض طولی مانند اینکه شخصی چاهی حفر نماید و شخص دیگری، ثالثی را در درون چاه اندازد. یا اینکه کسی در جاده مواد لغزنده بریزد و دو وسیله نقلیه در حال حرکت به علت لغزیدن بر روی روغن با شخصی برخورد نمایند و او آسیب ببیند و اورژانس نیز دیر به محل برسد و در نهایت شخص فوت نماید.

۱. اجتماع عرضی

مباشر در مقابل سبب به کار می رود و عنوانی جدای از آن است. منظور از مباشرت ارتکاب بلاواسطه و مستقیم عمل توسط مرتکب است؛ بطوریکه عرف بدون هیچ تأویلی، نتیجه را به مرتکب نسبت می دهد (محمد خانی، ۱۳۸۹، ص ۹۷). ماده ۴۹۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود». ماده ۵۰۶ همان قانون در تعریف تسبیب، مقرر می دارد: «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود، بطوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی شد مانند آنکه چاهی بکند و

کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند».

منظور از مباشرت، اعم است از اینکه فعل از او بدون وسیله ای مانند خفه نمودن او به وسیله دستش یا زدن او به آن یا به پایش، صادر شود یا با وسیله ای باشد مانند تیر زدن به او یا ذبح کردن او با چاقو، یا قتل بدون تاویل عرفا منسوب به او باشد مانند انداختن او در آتش یا غرق نمودن او در دریا یا انداختن او از بلندی و غیر اینها از وسایطی که با آنها صدق می کند که قتل منسوب به او باشد (موسوی الخمینی، ۱۴۲۱ ه.ق، ج ۲/ ص ۱۹۰) تسبیب یعنی ایجاد کاری که وقوع نتیجه زیانبار عرفا به اثر آن کار منسوب است (الهیان، ریاحی و مختاری، ۱۳۸۷، ص ۳۵). در تسبیب اگرچه شخص بطور مستقیم مباشر تلف کردن مال نیست، ولی مقدمه تلف آن را فراهم می کند، یعنی کاری انجام می دهد که در نتیجه آن کار یا همراه با علت‌های دیگر، تلف واقع می شود؛ مثل اینکه چاهی در معبر عموم می کند و دیگری در اثر بی احتیاطی در آن چاه می افتد یا در محلی غیر مجاز توقف می کند و موجب لغزش اشخاص و آسیب به دیگران می شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱/ ص ۲۱۲).

در اجتماع سبب و مباشر بصورت عرضی تاثیر سبب و مباشر هم‌زمان است (محمدخانی، ۱۳۸۹، ص ۹۹) در فقه، صاحب ریاض در صورت اجتماع سبب و مباشر، معتقدند: «قوی تر بودن مباشر، مانع ضامن بودن سبب نمی شود، بدلیل اینکه حدیث لاضرر اقتضا دارد که هر کس ضرری ایجاد نمود ضامن آن باشد و هیچ ایرادی ندارد که هر دو ضامن باشند و مالک مخیر باشد مانند غضب، به هریک از مباشر یا مسبب مراجعه کند و ضعف تاثیر سبب مانع از مسئولیت آن نخواهد بود. اگر اجماع بر ضمان مباشر وجود نمی داشت، قول به ضمان هر دو بسیار نیکو بود، منتها صرفا به دلیل اجماع فقها بر ضمان مباشر باید نظریه فقها را پذیرفت» (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ ه.ق، ج ۱۴/ ص ۲۰) صاحب جواهر در جواب بیان داشتند: «چنانچه استناد فعل به مباشر به حدی قوی باشد که فعل را به مباشر نسبت دهند، سبب ضامن نیست و ادله‌ای هم که می گوید هر کس ضرر بزند ضامن است، مربوط به جایی است که مباشر قوی نیست» (نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۳۷/ صص ۵۵-۵۴) در واقع صاحب جواهر معتقدند، مباشر با اقدام خویش به نوعی رابطه سببیت مسبب را با زیان قطع می نماید و به همین جهت است که مشهور فقهای امامیه در فرض اجتماع سبب و

مباشر، مباشر را ضامن می دانند (نقیبی، ۱۳۸۶، ص ۸۰)

برخی از فقها معتقدند اگر سبب و مباشر، اجتماع نمایند؛ پس با مساوات آنها یا اینکه مباشر قوی تر باشد، مباشر ضامن است (موسوی الخمینی، ۱۴۲۱ ه.ق، ج ۲/ ص ۵۶۹).
منطوق این نظر فقهی، در قانون دیات نیز مقرر گردیده بود. ماده ۶۹ قانون دیات مقرر می داشت: «هرگاه دو نفر در ارتکاب جنایتی یکی به شکل سبب و دیگری به شکل مباشرت دخالت داشته باشد، در صورتی که تاثیر هر دو برابر باشد یا تاثیر مباشر بیشتر باشد، فقط مباشر ضامن است» ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی جایگزین ماده ۶۹ قانون دیات گردیده بود که مقرر می داشت: «در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است، مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد».

در قانون مجازات اسلامی سابق در ماده ۳۶۳، قانونگذار در اجتماع سبب و مباشر، به نظریه سبب نزدیک و بی واسطه نظر داشته است (افتخاری، ۱۳۸۷، ص ۱۴). حکم قانونگذار در قانون سابق از این جهت قابل تایید بود که از نظر عقلا فعل همواره مستند به عامل قریب است نه بعید، بنابراین مباشر همواره اقوی از سبب است (محقق داماد، ۱۳۷۶، ص ۱۲۳). همچنین علاوه بر احراز و اثبات تقصیر، وجود رابطه علیت بین تقصیر و زیانهای وارد شده از مهم ترین شرایط مسئولیت مدنی اشخاص است (مواد ۳۲۸، ۳۳۵، ۶۶۶ قانون مدنی، ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی). در واقع در این فرض با وجود مباشر رابطه سببیت بین فعل سبب و زیان از بین می رود و بنابراین فقط مباشر ضامن است، مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد.

ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می دارد: «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تاثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست، ضامن است و اگر جنایت مستند به تمام عوامل باشد، به طور مساوی ضامن هستند، مگر تاثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تاثیر رفتارشان مسئول اند. در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آنها باشد، فقط سبب ضامن است». در واقع قانونگذار، اصل را بر تساوی مسئولیت قرار داده است، مگر تفاوت در میزان تاثیر رفتار مرتکبان باشد.

بر اساس معیار تقسیط ضرر و زیان به میزان تاثیر، لازمست علاوه بر تجزیه ضرر و

زیان هر کدام از اسباب موثر، نسبت هر کدام تعیین و بر اساس درصدها تقسیط صورت گیرد (عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ص ۶۹).

از مهم‌ترین تفاوت‌های ماده ۶۹ قانون دیات و قانون مجازات اسلامی جدید این است که در قانون دیات در اجتماع سبب و مباشر، اصولاً مباشر مسئول است، حتی اگر تاثیر عمل هر دو برابر باشد. در حالیکه بر اساس ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی جدید، معیار مسئولیت، میزان تاثیر رفتار و عمل است، خواه عامل، سبب باشد خواه مباشر. همچنین قانونگذار در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بر خلاف حکم ماده ۳۶۳ قانون مجازات سابق، در صورت اجتماع مباشر و سبب مباشر را ضامن ندانسته است، بلکه عاملی که جنایت مستند به اوست، ضامن است، خواه مباشر باشد خواه سبب؛ به عبارت دیگر، ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی در اجتماع مباشر و سبب در ایجاد زیان معیار میزان تاثیر را مورد پذیرش قرار داده است. مطابق این معیار، در صورتی که سبب و مباشر متساوی باشند، در این فرض، مسئولیت نیز متساوی خواهد بود (امامی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۹۶) در واقع میزان دخالت هر سبب در ایجاد ضرر به تناسب چگونگی اثر آن معین می‌شود و از تمیز کیفیت دخالت شرایط به کمیت اثر آنها در ایجاد ضرر می‌رسیم. بدین ترتیب اگر میزان تاثیر در ورود خسارت عاملی که در زمره اسباب متعدد قرار دارد پنجاه درصد باشد، عامل این حادثه مسئول نیمی از زیان است (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱/ ص ۴۶۸).

اگر میزان تاثیر عمل هر یک در ایجاد خسارت قابل شناسایی باشد، عدالت نیز اقتضا می‌کند که هر کس عهده دار مسئولیت خویش باشد و بار مسئولیت دیگری را بر دوش نکشد، ولی در فرض عدم امکان تشخیص میزان تاثیر عمل شرکا در ایجاد خسارت بنظر می‌رسد تنها راه حل، جبران خسارت به تساوی است. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا بهر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» قسمت آخر ماده که مقرر داشته «مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» علاوه بر اینکه بیانگر این مطلب است که زیان زننده باید خسارت زیان دیده را جبران نماید، مبین

این نکته نیز است که میزان آن به اندازه‌ی تاثیر عمل او در ایجاد خسارت است (ابراهیم خانی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۸).

ماده ۵۳۱ قانون مجازات اسلامی در مورد برخورد وسایل نقلیه با یکدیگر نیز مقرر می‌دارد: «در موارد برخورد هرگاه حادثه به یکی از طرفین مستند باشد؛ مثل اینکه حرکت یکی از طرفین به قدری ضعیف باشد که اثری بر آن مترتب نگردد، تنها درباره طرفی که حادثه مستند به اوست، ضمان ثابت است». یعنی قانونگذار معیار را برای مسئولیت، استناد حادثه به فرد قرار داده است.

ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی در خصوص مسئولیت کارکنان اداری یا کارگران متعدد به طور اجتماعی در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد می‌شود معیار میزان تاثیر اسباب را مدنظر قرار داده و مقرر داشته: «در این مورد میزان مسئولیت هر یک از آنان با توجه به نحوه مداخله هر یک از طرف دادگاه تعیین خواهد شد».

در فقه نیز قاعده اینگونه نیست که لزوماً مباشر بر سبب مقدم باشد و یا سبب بر مباشر مقدم باشد، بلکه قاعده این است که خسارت وارد شده به هر کدام از سبب یا مباشر که بیشتر استناد دارد او مقدم است، یعنی مسئولیت او به نسبت استناد بیشتر به او افزون تر است و روشن است که استناد بیشتر یا کمتر ضابطه مشخص و کلی ندارد، بلکه به ملاحظه موارد و خصوصیات آن فرق می‌کند، این مطلبی است که عقل و عرف و شرع قایل به آن است و روایات و سخنان فقها در جاهای مختلف نیز آن را تایید می‌نمایند (فرحی، ۱۳۹۰، ص ۴۱۹) کما اینکه برخی نیز معیار مذکور را با تعبیر و به کار بردن عبارات متفاوت مورد پذیرش قرار دادند و بیان داشتند: اگر در حفر در غیر ملک شریک بودند، هر دو ضامن هستند با توزیع دیه یا قیمت به قدر عمل هر کدام (بهجت، ۱۴۲۶ ه.ق، ج ۵/ ص ۵۱۱) منظور از قدر عمل هر کدام میزان تاثیر عمل است.

ناگفته نماند که اگرچه فقها در حکم بعضی از مصادیق اختلاف دارند که مسئولیت بر عهده سبب است یا مباشر یا هر دو، ولی ظاهراً همه آنها اتفاق دارند که ملاک اصلی مسئولیت و مقدارش استناد است؛ به عبارت دیگر، آنها در کبرای مطلب که استناد ملاک اصلی است متفقند ولی در مصادیق که برای نمونه در فلان مسأله استناد نسبت به چه کسی (سبب یا مباشر) انحصار یا غلبه دارد مختلفند و چون استناد به این یا به آن چه اصلش و

چه مقدارش مطلب عرفی هست نه شرعی لذا مشکل مهمی در کار نیست؛ زیرا تشخیص آن با نظر عرف تقریباً به آسانی حاصل می‌شود (طاهری، ۱۳۸۷، ج ۱/ ص ۳۱۸ و فرحی، ۱۳۹۰، ص ۴۲۲ و مشایخی، ۱۳۸۵، ص ۱۰).

از مجموع روایات احراز می‌شود ضمان و غرامت و ... که در ابواب اتلاف مال و منفعت و مانند آن ذکر می‌شود بر عهده کسی است که اتلاف مال و منفعت مستند به اوست و اگر بطور کامل به یک نفر مستند نیست، به میزان استنادش مسئول است؛ به عبارت دیگر هر کسی که دخیل است در ضرر زدن به دیگری با تعدیش یا تفریطش یا ... به مقداری که دخیل است مسئولیت دارد، خواه اسم این کس سبب باشد و خواه مباشر (فرحی، ۱۳۹۰، ص ۴۲۲).

در مسئولیت مدنی بر خلاف مسئولیت اخلاقی، شدت تقصیر و میزان زشتی آن قاعدتاً تاثیری ندارد و صرف تحقق تقصیر برای مسئولیت کافی است (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۸) بطوریکه جایی که از خطای ناچیز زبانی بزرگ به بار می‌آید، حقوق در مسئولیت شناختن مرتکب تردید نمی‌کند؛ اما اخلاق آن را عادلانه نمی‌بیند و تناسب بین درجه تقصیر و میزان مسئولیت را لازم می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱/ ص ۳۸) در حالیکه در حقوق میزان تاثیر ملاک تعیین مسئولیت است.

البته بنظر می‌رسد، در موارد شک و تردید مسئولیت بر عهده مباشر است؛ زیرا در نگاه اول می‌توان بین فعل انجام شده و مباشر رابطه علیت برقرار کرد (عمید زنجانی، ۱۳۹۱، ص ۷۱).

نکته مهم و قابل توجه در تغییرات مذکور این است که در گذشته در اجتماع مباشر و سبب در اتلاف مال و وقوع جنایت قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی حکم واحدی را پیش بینی نموده بودند، لکن با تصویب ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی اکنون در اجتماع سبب و مباشر در اتلاف اموال و در وقوع جنایت با وضع دوگانه ای مواجهیم. ماده ۳۳۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال شود، مباشر مسئول است نه مسبب، مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد» البته در تفسیر ماده ۳۳۲ قانون مدنی، برخی از علمای حقوق معتقدند اگر سبب و مباشر از نظر رابطه با اضرار برابر باشند، گذشته از

دشواری مقایسه قوت و ضعف دو سبب و تمیز درجه دخالت هر کدام، راه حل عمومی «تقدم مباشر» قابل اجرا نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱/ ص ۴۵۲)

بنظر می رسد جهت رفع این دوگانگی می توان به دوگونه اندیشید: ۱- با توجه به تفاوت موضوع دو قانون (اجتماع مباشر و سبب در اتلاف اموال و وقوع جنایت)، قایل به آن باشیم که حکم هر قانون مختص موضوع خود است. یعنی در اتلاف اموال در اجتماع سبب و مباشر ماده ۳۳۲ قانون مدنی حاکم بوده و در وقوع جنایت ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی.

۲- با توجه به اینکه بسیاری از حقوقدانان در بحث اجتماع سبب و مباشر و اجتماع اسباب حکم قانون مجازات اسلامی را علیرغم اینکه به موضوع جنایات اشاره دارد در خصوص اموال نیز لازم الرعایه می دانند (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۷ و کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱/ ص ۶۴۶) و در فقه نیز تفکیکی بین این دو موضوع نشده است و اینکه اجرای راه حل بند یک نظام حقوقی ما را در موضوع واحد دارای دو حکم متفاوت می نماید - که توجیه آن از جهات حقوقی دشوار است - لذا با امعان نظر به ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی قایل به نسخ ماده ۳۳۲ قانون مدنی گردیم.

بنظر می رسد با توجه به مشکلاتی که در عمل به ماده ۳۳۲ قانون مدنی بروز مینماید. (نظیر مواردی که سبب اقوی از مباشر نبوده لکن مسوول تلقی نمودن مباشر نیز عادلانه بنظر نمی رسد) و توجه به این نکته که مفاد ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی با پیش بینی فروض چهارگانه تقریباً به تمامی موارد اجتماع مسوولیت مباشر و مسبب نظر دارد پذیرفتن نظر دوم اقوی بنظر می رسد.

۱-۱. ایرادات معیار میزان تاثیر

مهم ترین ایرادی که بر معیار میزان تاثیر (درجه تاثیر) اسباب وجود دارد این است که تجزیه کردن زیانهایی که نتیجه فعالیت مشترک چند سبب است منطقی نیست؛ زیرا هر سببی در ایجاد تمام زیان دخالت دارد؛ به خصوص زیانهایی همچون مرگ، جراحت، لطمه به حیثیت و آبرو غیر قابل تجزیه هستند.

ایراد دوم اینکه اگر درجه تاثیر چند سبب، هر یک به تنهایی، بیش از پنجاه درصد باشد

درجه تاثیر مجموع سبب ها بیش از مجموع درصد ضررهای ایجاد شده خواهد شد که در این صورت عدم تناسب معلول با علت پیش می آید که قابل توجیه معقول نخواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱ / ص ۴۶۹).

ایراد سوم اینکه سببیت جزئی ملازمتی با مسئولیت جزئی (کاهش مسئولیت) ندارد و هر فاعلی در برابر زیان دیده مسئول جبران تمام خسارت است؛ زیرا هیچ معیار و ملاک معقولی برای ارزیابی تاثیر سببیت هر یک از عوامل در ایجاد خسارت وجود ندارد و تقسیم رابطه سببیت از نظر محاسبه امکان پذیر نیست (عیسائی تفرشی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۲۰۴).

در نهایت، تعیین میزان ضرر (کمیت اثر) از میزان دخالت هر سبب (کیفیت دخالت) دشوار بوده و از مبنای علمی برخوردار نیست (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۳۹۲).

۱-۲. فایده معیار میزان تاثیر

حکم قانونگذار در قانون مجازات اسلامی جدید قابل تایید است. در واقع مباشر بودن یا سبب بودن اتلاف کننده اهمیتی ندارد؛ زیرا مبنای ایجاد مسئولیت و پرداخت خسارت عبارت است از: ۱) فعلیت یافتن زیان ۲) انجام گرفتن کاری که بدون واسطه خسارت را ایجاد کرده باشد ۳) رابطه مستقیمی بین کار انجام شده و زیان وجود داشته باشد که هم مسبب و هم مباشر مشمول آثار این مبانی هستند و از این حیث فرقی میان آنان نیست (ابراهیم خانی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۱). اینکه فقها اتلاف کننده را گاه مباشر و گاه سبب ذکر کرده اند برای ایجاد ضابطه ای است که مشخص شود عرف چه کسی را ضامن می داند و الا شرعا دلیلی بر مقدم بودن مباشر بر سبب و یا بالعکس وجود ندارد. به علاوه مباشرت و تسبیب به مرتبه معلومی اختصاص ندارد، بلکه اتلاف کننده گاه سبب است و یا سبب سبب و گاه همینطور سلسله اسباب بالا می رود و چون منشاء ضمان آنگونه که از ظاهر نصوص و فتاوی فهمیده می شود، اتلاف است؛ پس ملاک صدق و انتساب عرفی تلف است که گاهی به مباشر منتسب می شود و گاهی به سبب (مراغی، ۱۳۸۵، ص ۵۲ و مطهری، ۱۴۲۰، ه.ق، ج ۲۰ / ص ۳۹۴ و هاشمی، ۱۳۹۲، ص ۲).

برخلاف مسئولیت کیفری، در مسئولیت مدنی، هدف جبران زیان های وارد شده است

نه مجازات شخص مقصر. بنابراین، اگر تقصیر شخصی به اثبات برسد اما زیانی از ناحیه مقصر به دیگران وارد نیاید، هیچ گونه مسئولیتی متوجه او نمی‌شود اگرچه از نظر اخلاقی مورد نکوهش و ملامت قرار گیرد (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۳۵۷). بنابراین معیار میزان تاثیر عمل نسبت به سایر معیارها منطقی تر و منطبق با اصول و عدالت و هدف مسئولیت مدنی است (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۴).

نوآوری های ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را می‌توان بدین نحو بر شمرد: اول: در اجتماع سبب و مباشر عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است هرچند سبب باشد (در حالیکه در گذشته مسوول بودن سبب تنها در فرض اقوی بودن سبب بر مباشر قابل تصور بود). دوم: در صورت تساوی تاثیر عمل مباشر و مسبب هر دو بطور مساوی عهده دار مسولیت جنایت خواهند بود. سوم: دادگاه میتواند به تاثیر عمل مباشر و سبب توجه نموده و میتواند هریک را به میزان تاثیر رفتارشان مسوول تلقی نماید. در این فرض به نظر می‌رسد قاضی می‌تواند با ملاحظه تاثیر عمل نظری مطابق نظر سابق قانون مجازات اسلامی اتخاذ نماید؛ یعنی مباشر را صرفا مسوول تلقی نماید. البته در چنین فرضی قاضی الزاما باید در خصوص تاثیر عمل مباشر و عدم تاثیر عمل مسبب استدلال نماید تا به اتکای میزان تاثیر بیشتر عمل مباشر او را مسوول قلمداد نماید.

ذیل ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی، ناظر به اقوی بودن سبب از مباشر است که مقرر می‌دارد: «در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است» قویتر بودن سبب از مباشر تنها در حالت اجتماع طولی آن‌ها متصور است؛ زیرا در حالت اجتماع آنها به صورت عرضی سبب به دلیل تاثیر عمل خود و نه به علت تاثیر بر مباشر زیان را منتسب به خود می‌نماید. برای تحقق سبب اقوی از مباشر دو شرط لازم است: ۱- دو عامل انسانی به عنوان سبب و مباشر وجود داشته باشند. بنابراین، اگر سبب یا مباشر انسان نباشند، بحث سبب اقوی از مباشر موضوعیت ندارد. بنابراین اگر مباشر حیوان باشد، بحث سبب اقوی از مباشر مطرح نمی‌شود؛ زیرا هنگامی این بحث مطرح می‌شود که هر دو عامل توانایی مسئول شدن را داشته باشند. قانونگذار پس از مسئول دانستن مباشر در اجتماع سبب و مباشر، بحث سبب اقوی را مطرح می‌کند؛ این امر بیانگر این است که در اجتماع سبب و مباشر هر دو عامل

قابلیت بر عهده گرفتن مسئولیت را دارند و در صورت عدم اثبات قوی‌تر بودن سبب می‌توان مباشر را مسئول دانست (محمدخانی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰). برخی حتی در فرض روشن کردن آتش و سرایت آن به ملک دیگری، آتش را مباشر و سبب را اقوی از مباشر دانستند (شامبیاتی، ۱۳۷۲، ج ۲ / ص ۱۹۷) در حالیکه این مورد از مصادیق بارز تسبیب به معنای خاص بوده و ارتباطی به سبب اقوی از مباشر ندارد.

۲- زیان عرفا به سبب متناسب بوده و نتوان مباشر را مسئول دانست (محمدخانی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۲).

علت اینکه در ماده ۵۲۶ در اکراه، مکره (به کسر راء) ضامن دانسته شده این است که مباشر به لحاظ وجود اکراه ضعیف است و فعل، مستند به اکراه کننده است. در حقیقت اوست که اتلاف کرده است و این مخالف قاعده نیست بلکه اصولاً تقدم مباشر بر سبب از جهت صدق اتلاف است که در فرض اخیر متلف (تلف کننده) بر مباشر صدق نمی‌کند. برخی معتقدند، در غرور، اتلاف مستند به مغرور است و مغرور ضامن است. نهایت اینکه غار نیز ضامن است و مغرور می‌تواند به او رجوع نماید و بهر حال عرفاً با تحقق غرور شخص از متلف بودن خارج نمی‌شود (مراغی، ۱۳۸۵، ص ۵۵). به نظر می‌رسد قانونگذار این نظر را در حقوق ایران نپذیرفته است؛ زیرا در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی، قانونگذار در فرض جاهل بودن مباشر، سبب را اقوی دانسته است و می‌دانیم که در قاعده غرور مباشر جاهل است. بنابراین قاعده سبب اقوی از مباشر در قاعده غرور نیز رعایت می‌شود و در هر صورت غار ضامن است، مگر اینکه گفته شود، قانونگذار با آوردن عبارت جاهل در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی، از این قاعده عدول نموده است.

منظور از اقوایت سبب نیز سرزنش آمیزتر بودن عمل او از مباشر نیست، بلکه نحوه عمل سبب باید به گونه‌ای باشد که با توجه به وضعیت مباشر، زیان با ارکان آن متناسب به سبب باشد، به طوری که نتوان مباشر را مسئول دانست (محمدخانی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷).

گاهی اوقات خود زیان دیده به عنوان سبب اقوی از مباشر محسوب می‌شود و موجب رفع مسئولیت از مباشر می‌شود؛ برای مثال، ممکن است زیان دیده علی‌رغم شنیدن هشدار و امکان فرار که شرایط و ارکان اصلی رفع مسئولیت است، اقدام به ورود به عرصه خطر نماید و تقصیر را متوجه خود ساخته و انتساب آنها را به خود اقوی نموده است و از

مصادیق سبب اقوی از مباشر قرار گیرد (محقق داماد، ۱۳۷۱، ص ۱۲).

اگر صغیر ممیز به کسی زبانی در اثر اتلاف یا تسبیب وارد نماید، شخصاً مسئول زیان وارد شده است؛ زیرا با داشتن قوه تمیز، کسانی را که عهده دار حفاظت و نگاهداری وی هستند، نمی توان مسئول دانست. در واقع، مباشر اقوی از سبب است. این امر از مفهوم اولویت ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی قابل استنباط است (امامی، ۱۳۶۸، ج ۵/ ص ۲۵۴). در واقع در اجتماع سبب و مباشر، سبب در جایی ضامن است که مباشر فاعل غیر ذی شعور باشد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲ ه.ق، ج ۲/ ص ۳۰۸). بر اساس ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی، «هرگاه کسی مالی را بتصرف صغیر غیر ممیز و یا مجنون بدهد، صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود»؛ زیرا مجنون و صغیر غیر ممیز قدرت بر تشخیص افعال و اعمال خود را نمی دهد و اگر کسی مال خود را به او بدهد اقدام به ضرر خود نموده است و سبب اقوی از مباشر است، بر خلاف آنکه کسی مال خود را بدست صغیر ممیز یا سفیه بدهد و او آن را تلف یا ناقص یا معیوب نماید که در این صورت، صغیر و سفیه ضامن است؛ زیرا صغیر ممیز و سفیه بدستور ماده ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی، موجب زیان گردیده و باید آن را جبران کند و با ممیز بودن صغیر یعنی قدرت بر تشخیص آثار و افعال خود نمی توان سبب یعنی دهنده مال را مسئول محسوب کرد (امامی، ۱۳۶۸، ج ۵/ ص ۲۵۴).

به عنوان نتیجه می توان گفت، گاهی ممکن است، مباشر قویتر از سبب باشد که در این فرض، اگر قابلیت انتساب به سبب منتفی باشد، صرفاً مباشر ضامن است؛ مثل اینکه کسی هنگام حمل کاه در مسیر کاه ریخته و دیگری ته سیگار را بر آن انداخته و باعث آتش سوزی خانه همسایه شده است. در این مثال اگر هیچ تبانی بین سبب و مباشر نباشد، به هر کدام مستقلاً نگریسته می شود و در اینصورت فقط مباشر مسئول خواهد بود؛ اما اگر تبانی باشد، آتش سوزی به هر دو (سبب و مباشر) مستند می شود. در اینجا اصل بر تساوی مسئولیت آنان است، مگر اینکه میزان تاثیر عمل آنان متفاوت و قابل تعیین باشد. گاهی نیز ممکن است سبب اقوی از مباشر باشد. به عنوان مثال، فردی که دارای قوه اراده و اختیار است از روی مسامحه و فراموشی، درب مزرعه غیر را باز می گذارد و این امر موجب ورود حیواناتی به مزرعه شده و باعث بروز خسارت می شود. در این مثال؛ به جهت اقوی بودن سبب از مباشر، بازگذارنده درب مزرعه ضامن جبران خسارت خواهد بود همچنین است

در فرضی که سبب، انسان دارای اراده و اختیار بوده و مباشر، شخص صغیر غیر ممیز، مجنون، مکره (به کسر راء) و یا مغرور باشد (محقق داماد، ۱۳۷۶، ص ۱۲۷ و مطهری، ۱۴۲۰ ه.ق، ج ۲۰ / ص ۳۹۳ و گلپایگانی، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۳ / ص ۲۳۴).

۲. اجتماع طولی

در اجتماع مباشر و سبب به شکل طولی، تاثیر سبب و مباشر هم‌زمان نبوده و تاثیر مباشر بر وجود سبب، متوقف است. مانند کندن چاهی توسط دیگری و انداختن قربانی توسط دیگری (محمد خانی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰). اگر شخصی مباشر تلف باشد، رابطه علیت بین عمل او و تلف، ارتباط ضعیفی را که وقوع تلف با سبب دارد، قطع می‌نماید به گونه‌ای که در نظر عرف، دیگر نسبتی میان سبب و تلف وجود نخواهد داشت؛ برای مثال، در همان مثال، حفر چاه توسط یک نفر و انداختن قربانی در چاه توسط دیگری، عرف کسی را ضامن می‌داند که شخص را در چاه انداخته است؛ زیرا رابطه میان سبب و تلف رابطه‌ای مجازی و ضعیف است و صرفاً در فرضی که فعل اختیاری میان سبب و تلف واسطه نشود، ضامن آور است. همچنین است در فرض اجتماع بنا کننده دیوار متمایل با مسقط آن که در این مصداق نیز مسقط ضامن خواهد بود (عالم زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳ و ابن براج، ۱۴۰۶ ه.ق، ج ۲ / ص ۴۸۷ و اصفهانی، ۱۴۰۰ ه.ق، ص ۲۱۲ و شعرانی، ۱۴۱۹ ه.ق، ج ۲ / ص ۷۸۳).

بنظر می‌رسد با تصویب قانون مجازات اسلامی جدید، می‌توان قایل به حاکم بودن حکم ماده ۵۲۶ قانون مذکور در فرض اجتماع سبب و مباشر به شکل طولی نیز گردید؛ زیرا قانونگذار در این خصوص، تفکیکی بین تعدد سبب و مباشر به شکل عرضی و طولی قایل نشده است، بطوریکه در ماده ۵۲۶ قانون مذکور، در فرض اجتماع سبب و مباشر، به صورت مطلق، معیار میزان تاثیر را ملاک مسئولیت مباشر و سبب قرار داده است. بنابراین در فرض اجتماع سبب و مباشر به شکل طولی نیز باید ملاک مسئولیت را تساوی مسئولیت مباشر و سبب دانست، مگر اینکه میزان تاثیر عمل مباشر در ورود خسارت بیش از سبب باشد که در این صورت، هر یک از سبب و مباشر بر اساس میزان تاثیر مسئول هستند، نه اینکه لزوماً مباشر در همه حال بر سبب مقدم بوده و ضامن باشد.

اگر کسی دوست خود را بگمارد که مزرعه دیگری را آتش بزند. در این صورت ضامن خسارت وارد شده بر مزرعه، کسی است که آتش افروخته و به اراده خود موجب ضرر شده است. در واقع اگرچه عمل هر دو یعنی مسبب و مباشر دخیل بوده اما فعل را باید منتسب به مباشر دانست؛ زیرا رابطه وی با تلف قوی تر است و اقدام او نقش موثری در ورود زیان دارد (عمید زنجانی، ۱۳۹۱، ص ۷۰)؛ ولی اگر دوست مزبور شخصی ساده بوده و آمر از ضعف نفس او سوء استفاده نموده باشد، سبب اقوی از مباشر بوده و آمر مسئول خواهد بود (امامی، ۱۳۳۸، ج ۱/ ص ۳۹۶).

در اجتماع چند سبب، اسباب گوناگون رابطه عرفی خود را با نتیجه حفظ کرده است، بطوریکه نمی توان یکی از آنها را مقدمه ایجاد سبب شمرد. ولی در فرض اجتماع مباشر و سبب، فعل مباشر میان سبب و ایجاد ضرر مانع و فاصله ای بوجود آورده که آن رابطه مستقیم را قطع کرده است، به گونه ای که باید آن را سبب علت ورود ضرر به شمار آورد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱/ ص ۴۵۲).

اجتماع اسباب

تعدد اسباب به دو صورت طولی و عرضی صورت می گیرد. اگر چند نفر در ارتکاب عمل زیانبار با یکدیگر همکاری نموده و نتیجه نیز مستند به عمل همه باشد، اجتماع اسباب به شکل عرضی صورت خواهد گرفت. مانند اینکه دو یا چند نفر به اشتراک سنگی را از بالای کوه بغلطانند که این امر در نهایت منجر به خسارت به اتومبیلی که در پایین جاده در حال حرکت بوده شود؛ اما اگر در یک حادثه دو یا چند سبب، یکی پس از دیگری تاثیرگذار باشد، اجتماع اسباب به شکل طولی مطرح می شود.

۱. اجتماع عرضی

ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آنها کشته شوند یا آسیب بینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هر یک مسئول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله است و اگر سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند، هر یک از رانندگان مسئول یک سوم دیه

راننده های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه است و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می شود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد به گونه ای که برخورد به او مستند شود، فقط او ضامن است» با توجه به اینکه بر اساس ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی جدید، دیه احکام و آثار مسئولیت مدنی را دارد، حکم ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص مسئولیت پرداخت دیه در تصادم وسایل نقلیه، یک حکم راجع به مسئولیت مدنی است؛ زیرا ماده مذکور مقرر می دارد: «دیه حسب مورد حق شخص مجنی علیه یا ولی دم است و احکام و آثار مسئولیت مدنی یا ضمان را دارد». بنابراین حکم ماده ۵۲۸ در این مقاله نیز قابل استناد است.

قانونگذار در فرضی که یکی از طرفین مقصر و دیگری غیر مقصر باشد، جنایت و تلف حاصله را تنها مستند به مقصر می داند و طرف غیر مقصر به جهت عدم استناد تلف به وی مسئول نیست. در واقع در مواردی که چند نفر در ایجاد خسارت نقش داشته باشند که بعضی مقصر و برخی غیر مقصر باشند، عرف خسارت را به کسی نسبت می دهد که مقصر بوده است؛ اما اگر همه عوامل موثر در ایراد ضرر مقصر باشند، تشخیص سبب و احراز رابطه سببیت دشوار است (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۴)

ماده ۳۳۵ قانون مدنی نیز مقرر می دارد: «در صورت تصادم بین دو کشتی یا دو قطار راه آهن یا دو اتومبیل و امثال آنها مسئولیت متوجه طرفی خواهد بود که تصادم در نتیجه عمد یا مسامحه او حاصل شده باشد و اگر طرفین تقصیر یا مسامحه کرده باشند، هر دو مسئول خواهند بود.»* ممکن است گفته شود که در تصادم نقش هر دو عامل در ایجاد تلف صرفا مباشرت است نه تسبیب، در این صورت در هر حالتی ضمان مستند به مباشران است، خواه هیچ کدام مقصر نباشند، خواه هر دو مقصر باشند یا تنها یکی از آنها مقصر باشد، چرا که در مباشرت اصولا تقصیر شرط رابطه استناد نیست و در صورت اجتماع مباشران این نتیجه به

*. البته بند الف ماده ۱۶۵ قانون دریایی ایران مقرر می دارد: «اگر دو یا چند کشتی مرتکب خطا شوند، مسئولیت هر یک از کشتیها متناسب با اهمیت تقصیری است که از آن کشتی سر زده است. مع ذلک اگر تشخیص اهمیت تقصیر با شواهد و قرائن ممکن نباشد و یا تقصیر طرفین به نظر یکسان برسد طرفین به نسبت مساوی مسئول خواهند بود...» بنا به نظر حقوقدانان، آنچه در ماده ۱۶۵ قانون دریایی آمده اختصاص به تصادم کشتیها دارد و از جهت قاعده عمومی نیست که مبنای بر تقصیر گذاشته است (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۲۲۴).

همه مباشران مستند خواهد بود (الهیان، ریاحی و مختاری، ۱۳۸۷، ص ۳۷) این در حالیست که بر اساس ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی اگر صرفاً یکی از طرفین تصادم مقصر باشد، تنها او ضامن است. البته بنظر می رسد با توجه به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی* نیز، در جمع بین دو مباشر یا دو سبب، اگر یکی مقصر باشد، در نهایت مقصر مسئول است؛ زیرا اصل بر مسئول بودن مقصر است.

ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر می دارد: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند، به طوری که جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، بطور مساوی ضامن می باشند.»** بنابراین اگر سببها متعدد باشند و با هم مساوی و در عرض هم اثر کنند، حالت اشتراک در تسبیب مطرح می شود و در ضمان مشترک خواهند بود (بهرامی، ۱۳۸۱، ص ۳۲).

از حکم مجموعه مواد مورد استناد مذکور، این مطلب استنباط می شود که قانونگذار در فرض اجتماع اسباب به شکل عرضی از نظریه تساوی مسئولیت پیروی نموده اند. بر اساس این معیار، مسئولیت باید به تساوی بین افراد مسئول تقسیم شود و هر یک باید سهم مساوی در جبران خسارت داشته باشد؛ زیرا فرض این است که چند نفر در ایجاد یک حادثه و ایراد خسارت نقش داشته اند و ضرر ناشی از عمل مشترک آنان است و نباید مسئولیت مشترک را تجزیه نمود (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۵).

فقههای امامیه نیز معتقدند، در مواردی که دو یا چند سبب موجب ایجاد خسارت می شوند، بطور مساوی ملزم به جبران خسارت خواهند بود (موسوی الخمینی، ۱۴۲۱ ه.ق، ج ۲ / ص ۵۶۵).

برخی از فقها نیز در تعدد اسباب بیان می دارند: «در اجتماع اسباب چنانچه یک شخص چاهی حفر نماید و شخص دیگری در کنار چاه سنگی قرار دهد و فردی به سنگ برخورد

*. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر می دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارته یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد.»

** ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی سابق در حکمی مشابه مقرر می داشت: «هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند، بطور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود.»

کند و در چاه بیفتند، اگر اقدام آن دو هم‌زمان باشد، هر دو به طور مشترک ضامن هستند؛ زیرا در این فرض ترجیحی بر مسئولیت یکی از آن دو وجود ندارد. همچنین است در فرضی که دو یا چند نفر چاهی حفر کنند و موجب خسارت گردند» (نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۳۷ ص ۵۵ و طاهری، ۱۳۸۷، ج ۱ ص ۳۱۹) اشتراک دو سبب در ضامن بمعنای پذیرش نظریه تساوی اسباب است. چراکه اقدام هم‌زمان طرفین (حفر کننده چاه و واضع سنگ)، بمعنی وجود تبانی بین اسباب است.

بنابراین آنچه از مجموع عبارات فقها در تعدد اسباب به دست می‌آید این است که در مواردی که هر دو سبب در حصول و تحقق تلف با هم مشترک باشند، بطوری که اگر یک سبب به تنهایی بود تلفی حاصل نمی‌شد، هر دو سبب در ضامن مشترک هستند؛ اما در مواردی که یکی از دو سبب، هیچ تاثیری در تحقق تلف نداشته باشد، هر چند اگر سبب اولی نبود تلف به واسطه سبب دیگر حاصل می‌شد، ضامن بر عهده او نیست؛ برای مثال، اگر کسی را از مکان بلندی بیندازند ولی شخص دیگری که در کمین او بوده او را در حال سقوط با تیر بزند و بکشد، این قتل مستند به افکندن او از بلندی نیست، بلکه قاتل کسی است که او را با تیر زده است (جمعی از مولفان، ۱۴۲۱ ه.ق، ج ۵۲ ص ۲۰۵).

حقوقدانان در تصادم معتقدند که عادلانه‌تر این است که دادگاه نه تنها به کوچکی و بزرگی تقصیر، به تمام عوامل دیگری که در ایجاد خسارت و میزان آن موثر بوده است توجه کند و هر کدام از طرفین را به اندازه‌ای که ضرر زده است، مسئول شناسد. با این ترتیب معیار تعیین مسئولیت درجه تاثیر در ایجاد حادثه زیانبار است و تقصیر به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل این تاثیر مورد توجه قرار می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۱۵۱).

۱-۱. ایراد معیار تساوی مسئولیت

معیار تقسیم کل خسارت به تساوی بین طرفین از این جهت که به میزان مداخله طرفین در تصادم و نیز میزان تقصیر آنها توجه ننموده است، قابل انتقاد است (الهیان، ریاحی و مختاری، ۱۳۸۷، ص ۴۵). در واقع ایرادی که بر حکم ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی وارد است، این است که، برخی اسباب ممکن است میزان تقصیر بیشتری داشته باشند و یا میزان تاثیر عمل یکی نسبت به دیگری بیشتر باشد. پاسخی که می‌توان در برابر این ایراد

مطرح نمود این است که اگرچه برخی از اسباب نسبت به برخی دیگر سهم بیشتری دارند اما از این نظر که بدون وجود هر یک از آنها ضرری وارد نمی‌شود، برابری، به همین جهت مسئولیت آنها نیز برابر خواهد بود (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۳۸۶) به علاوه بنظر می‌رسد که ماده مذکور را نباید به طور مطلق پذیرفت. ماده فوق صرفاً در مقام بیان یک اصل از نظر اثباتی است؛ به عبارت دیگر، ماده مزبور از نظر ثبوتی حکمی ندارد، ولی در مرحله اثبات، نوعی اماره اثباتی ایجاد می‌کند. بر اساس ماده ۵۳۳، اصل بر تاثیر هر یک از اسباب بطور مساوی است و تقسیم مسئولیت هم بطور مساوی خواهد بود، مگر اینکه خلاف آن اثبات شود. بنابراین اگر تأثیر اضافی برخی از اسباب نسبت به برخی دیگر اثبات نگردد، باید به اصل تساوی عمل نمود (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۴۰۰).

ایراد دیگری که می‌توان بر حکم مواد مذکور مبنی بر برابری اسباب وارد نمود این است که معیار تساوی و برابری اسباب در مسئولیت با عدالت سازگاری ندارد. چگونه می‌توان نقش سبب ضعیف را با سبب قوی یا سبب دور را با سبب نزدیک در پیدایش زیان واحد، یکسان پنداشت از طرف دیگر معمولاً حوادث و رخدادها پیچیده و بهم تنیده اند چه بسا سلسله علل نامتناهی در پشت پیدایش یک زیان قرار دارند. باید در این سلسله نامتناهی در جایی توقف نمود، این در حالیست که معیار برابری اسباب راه حلی در این خصوص ارائه نمی‌نماید. همچنین با مراجعه به عرف نیز در می‌یابیم که عرف همه اسباب و شرایط را در پیدایش خسارت یکسان تلقی نمی‌نماید (تقیبی، ۱۳۸۶، ص ۷۷).

از آنجا که تقسیم مسئولیت بر اساس میزان مداخله یا تاثیر عمل، منطقی و عادلانه تر به نظر می‌رسد، می‌توان برای آن نیز محلی قایل شد، بدین معنی که اگر یکی از طرفین ثابت کند که میزان تاثیر عمل یکی در ورود خسارت بیشتر یا کمتر از عمل دیگری بوده است، دادرس باید به آن ترتیب اثر دهد؛ به عبارت دیگر، اصل، تقسیم مسئولیت بطور مساوی است، مگر اینکه ثابت شود که فعل یا تقصیر یکی از افراد مسئول، بیشتر یا کمتر از دیگری موثر بوده است (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۶) به عبارت دیگر ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی، در مواردی حاکم است که نتوان میزان تاثیر هر یک از اسباب را ثابت نمود، بطوریکه ماده مذکور، نوعی اماره ایجاد می‌کند و دادرسی را در این باره برای دادرس آسان می‌کند؛ زیرا به استناد این اماره، دادرس به تاثیر مساوی هر یک از سببها و در نتیجه

مسئولیت مساوی آنان حکم صادر می نماید، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود (هاشمی، ۱۳۹۲، ص ۵)

ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی پس از ذکر تضامنی مسئولیت وارد کنندگان زیان به طور اجتماع، نهایتاً نحوه توزیع مسئولیت و میزان مسئولیت هر یک از آنان را با توجه به نحوه مداخله هر یک، تعیین نمود.

۱-۲. فایده معیار تساوی مسئولیت

معیار تساوی به جهت اینکه ضمان دو طرف را بطور قاطع تعیین می نماید و به نظر دادرس واگذار نمی کند و مسئولیت مدنی را مجازات تقصیر نمی داند و با فقه اسلامی نیز سازگاری دارد، بر سایر معیارها اولویت دارد (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۵)

۲. اجتماع طولی

ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می دارد: «هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیر مجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند، کسی که تاثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تاثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است، مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته ضامن است، مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می گردد».

در توجیه حکم قانونگذار می توان گفت، سبب موثر در افتادن در چاه، عمل واضح سنگ است و از نظر وقوع تلف یا ضرر، نفر دوم سبب اخیر و شرط قریب است و اگر او سنگ را در کنار چاه قرار نمی داد، حفر چاه در ائتلاف تأثیری نداشت به همین جهت به حفر کننده نمی توان سبب اطلاق نمود (عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۰)

در قانون سابق قانونگذار ولو اینکه همه اسباب در تعدد اسباب طولی با عدوان و با قصد تلف مال نیز می بودند، صرفاً سببی که تاثیر کارش مقدم بر دیگر اسباب بود را مسئول

می دانست.* این حکم قابل ایراد بود؛ زیرا جایی که هر دو طرف قصد اتلاف مال را دارند، چگونه می توان ادعا کرد که بعنوان مثال، حفرکننده چاه در این اقدام دخالت ندارد؟ (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱/ ص ۴۶۲ و کاشف الغطاء، ۱۳۶۱، ج ۳/ ص ۱۴۹ و ۱۴۸ و قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۳۵۵) به همین جهت در ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانونگذار با تغییر موضع خود، مقرر می دارد: «در صورتی که همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند، شرکت در جرم محسوب می شود» نه اینکه صرفاً سبب مقدم در تاثیر ضامن باشد.

زیرا در فرضی که هر دو سبب عامدانه قصد ایراد خسارت داشته باشند، مسئول دانستن سبب مقدم در تاثیر و سلب مسئولیت از سبب دیگر خلاف عدالت و انصاف است شاید بدین جهت است که برخی از فقها نیز نظریات دیگر را ترجیح داده اند (نقیبی، ۱۳۸۶، ص ۸۱) بعنوان مثال محقق حلی می گوید: هرگاه دو سبب با هم جمع شوند، ضامن بر عهده کسی است که شروع جنایت به سبب او تحقق پیدا کند؛ مانند اینکه کسی سنگی را در غیر ملک خود قرار دهد و دیگری چاهی را در کنار آن حفر کند و شخص دیگری بر اثر برخورد با سنگ به درون چاه سقوط کند که در اینجا ضامن بر عهده کسی است که سنگ را کنار چاه قرار داده است. این در صورتی است که کار هر دو (سبب) عدوانی و غیر مجاز باشد؛ اما اگر یکی از آن دو عدوانی باشد، ضامن بر عهده او خواهد بود. همچنین در موردی که کسی چاقویی را در چاهی که در غیر ملک او کنده شده نصب کند و انسانی در آن سقوط کند و بر اثر برخورد با چاقو کشته شود، ضامن بر عهده چاه کن است. در این موارد آنچه که ابتدا به ذهن خطور می کند این است که ضامن بطور مساوی بر عهده هر دو باشد، ولی قول اول نزدیکتر به واقع است (محقق حلی، ۱۴۰۸ ه. ق، ج ۴/ ص ۲۴۱)

برخی فقها نیز معتقدند اگر در تعدد اسباب، اقدام طرفین در یک زمان اتفاق بیفتد، هر دو در ضامن مشترک هستند، چون مرجحی بر تقدیم یکی از آن دو وجود ندارد مانند اینکه همزمان هم چاه کنده شود و هم سنگ در کنار آن قرار داده شود ولی اگر هر دو سبب همزمان نباشد و بصورت تقدم و تاخر باشد، سبب مقدم در تاثیر ضامن خواهد بود؛ زیرا

*. مطابق ماده ۳۶۴ قانون مجازات اسلامی سابق: «هرگاه دو نفر عدوانا در وقوع جنایتی بنحو سبب دخالت داشته باشند کسی که تاثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تاثیر سبب دیگری باشد، ضامن خواهد بود...»

سبب منتهی به تلف، کار او بوده و ضمان او ترجیح دارد (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۱۲/ص ۱۶۴) مانند آن که کسی به صورت غیر مجاز در مسیر راه دیگران چاهی ایجاد کند و بعد ها شخص دیگری سنگی را در کنار آن قرار دهد و نفر سومی بر اثر برخورد با سنگ بلغزد و به داخل چاه بیفتد، ضمان بر عهده کسی است که سنگ را گذاشته است. چون کار او سبب اتلاف گردیده است، بنابراین در ضمان اولویت دارد. (علامه حلی، ۱۳۸۸ ه.ق، ص ۳۷۴) امام خمینی نیز معتقدند، اگر شخصی چاه کم عمقی را حفر کند پس غیر او، آن را عمیق نماید؛ پس آیا ضمان بر اولی است به جهت سبقت او یا بر دومی است یا بر هر دو؟ چند احتمال وجود دارد؛ اینکه اولی ارجح باشد (موسوی الخمینی، ۱۴۲۱ ه.ق، ج ۲/ص ۵۶۹). این گروه دلیل حکم مسئولیت سبب مقدم در تاثیر را اینگونه بیان می دارند: «وقتی مجنی علیه به سنگ برخورد می کند، بی اختیار در چاه می افتد، یعنی واضح حجر مانند آن است که وی را پرت کرده باشد، همان طور که وقتی کسی دیگری را پرت کند مباشر مسئول است واضح حجر نیز مسئول افتادن در چاه است، اگر وی را پرت می کرد، دافع مسئول بود نه حافر چاه، در این فرض نیز واضح حجر ضامن است» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۱۵/ص ۳۸۲). مبنای دیگر حکم مسئولیت سبب مقدم در تاثیر را اصل استصحاب می دانند. و بیان می دارند: «سبب مقدم در تاثیر نسبت ضمان به آن پیش از سبب دیگر تحقق یافته و بدین سبب استصحاب می شود و بر حکم سبب دوم که نسبت به سبب اول مانند شرط مباشر است، ترجیح می دهیم.» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۱۵/ص ۳۸۱ و نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۴۳/ص ۱۴۶)

هر دو دلیل شهید ثانی قابل ایراد است؛ زیرا اولاً قیاس گذاردن سنگ به پرت کردن مع الفارق است؛ زیرا در دومی اجتماع سبب و مباشر است که به سبب اقوی بودن مباشر، او مسئول است. خوردن به سنگ سبب قتل نیست، ولی پرت کردن در چاه کشنده است، بنابراین وضع حجر علت مرگ نیست، مگر اینکه وجود چاه را ضمیمه کنیم. بنابراین به مقتضای قاعده تسبیب مسئولیت متوجه هر دو سبب است. ثانیاً با برخورد شخص به سنگ ضمان به وجود نمی آید، بلکه بعد از کشته شدن فرد، ضمان حاصل می شود پس موضوع استصحاب اصلاً محقق نشده است، مگر از باب استصحاب تعلیقی. حال سؤال این است که آیا موضوع استصحاب تعلیقی، برخورد به سنگ است یا انتساب قتل به قاتل؟ تا قبل از

کشته شدن، تردیدی وجود ندارد که شخص قاتل محسوب نمی‌شود. بنابراین موجب ضمان نسبت قتل به قاتل است که این برخلاف استصحاب تعلیقی است؛ زیرا موضوع حکم خوردن به سنگ نیست. حتی بر فرض پذیرش وجود حالت سابقه، اثبات شیء نفی ما عدا نمی‌کند. به این معنی که اگر بگوئیم اولی ضامن باشد، منافاتی با ضمان دومی ندارد که در این صورت هر دو بطور مساوی ضامن خواهند بود (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷ ه.ق، ج ۲/ صص ۱۵۲-۱۵۳)

ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه در مورد ماده (۵۳۵) این قانون عمل یکی از دو نفر غیر مجاز و عمل دیگری مجاز باشد، مانند آنکه شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که مجاز است، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست، شخصی که عملش غیر مجاز بوده، ضامن است. اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می‌شود انجام گرفته باشد، نفر دوم ضامن است» به عنوان مثال، کسی در ملک شخصی خود چاهی بکند و دیگری بدون اجازه وارد آن ملک شود و سنگی در کنار آن بگذارد و شخص بر اثر برخورد با سنگ در چاه سقوط کند، در این فرض مالک هیچگونه مسئولیتی نداشته و فقط گذارنده سنگ ضامن است (ماده ۵۰۷ و تبصره ۲ ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی)

ایرادی که به حکم ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی مبنی بر مسئول بودن سبب مقدم در تاثیر وارد است، این است که، با عمل شخص تسبیب محقق شده و موجب ضمان فراهم آمده است و در تسبیب تنها در صورتی حکم ضمان منتفی می‌شود که بین سبب و اتلاف، عمل اختیاری فاعل عاقلی رابطه آن دو را قطع نماید و چنین عملی از کسی صورت نگرفته است. به علاوه در تعریف سبب به هر کدام از دو عامل حفر چاه و گذاردن سنگ قابل صدق است و هیچ کدام به تنهایی علت تلف نیستند و با متفی گردیدن هر کدام حادثه اتلاف رخ نمی‌دهد و قرابت زمانی و متاخر بودن عمل دوم تاثیری در تسبیب ندارد (عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۱)

مشهور فقها مبنایی جز استصحاب برای این حکم ندارند. در حالیکه استصحاب در این مسئله جاری نمی‌شود، بدلیل اینکه قبل از ایجاد سبب دوم، سبب اول تاثیری نداشته است

تا آن اثر آن را استصحاب نموده و بر سبب دوم ترجیح دهیم بلکه ضرر به هر دو سبب اسناد داده می‌شود، بنابراین ضمان متوجه هر دو سبب بطور یکسان می‌شود. به همین جهت، ترجیح سبب مقدم در تاثیر بر سبب یا اسباب موخر در تاثیر از هیچ گونه دلیل و مبنای منطقی برخوردار نیست (موسوی خویی، ۱۴۲۲ ه.ق، ج ۴۲/ ص ۳۲۲)؛ زیرا تلفی که در خارج اتفاق می‌افتد، محصول مشترک هر دو است حتی اگر فرض شود که هر یک از این دو سبب به تنهایی برای تلف کافی باشند با توجه به اینکه در این مورد، هر دو با هم موجب تلف شده اند، باز حکم به اشتراک هر دو در ضمان، موجه است (نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۳۷/ ص ۵۶).

همچنین معیار سبب مقدم در تاثیر دلیل قانع کننده ای ندارد و ذکر آن در قانون مجازات اسلامی هم قابل ایراد است، مگر اینکه همانطور که برخی فقهای امامیه بیان کردند، سبب مقدم در تاثیر را سبب متعارف تلقی نماییم که آن هم غیر معقول است (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۸).

به همین جهت محقق اردبیلی پس از بیان قول مشهور، بیان می‌دارند؛ حکم مشهور جای تأمل دارد؛ زیرا سبب اول از نظر ضمان، تاثیر تمام و مستقلاً در اتلاف ندارد و پرواضح است که اگر چاهی وجود نداشت، کسی بر اثر برخورد با سنگ و لغزیدن نمی‌مرد. بنابراین چگونه ضمان فقط بر عهده قرار دهنده سنگ باشد؟ به علاوه فقها در موردی که دو نفر به ترتیب، شخصی را مجروح کنند و شخص مجروح بر اثر جراحت وارد شده از سوی آن دو بمیرد، هر چند همان جراحت اول هم به تنهایی کشنده بود- تصریح کرده اند که هر دو قاتل و ضامن هستند. بنابراین در بحث ما نیز به طریق اولی سزاوار است که همین طور باشد (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۱۳/ ص ۴۰۲).

در واقع در تعدد اسباب همه اسباب به سهم خود علت ناقصه ای است در حدوث ضرر و زیان به شخص زیان دیده. نظریات ارائه شده اعم از نظریه سبب مقدم، بلاواسطه عرفی، آخرین امکان پرهیز از حادثه و غیره یکی از اسباب اقتضایی فوق را به عنوان مسبب زیان اعتبار می‌کند تا دعوای مسئولیت مدنی به راحتی قابل طرح باشد و الا از لحاظ غیر اعتباری و واقعی در عالم خارج سبب اعتبار شده تنها جزئی از علت تامه بروز زیان است (قربان پور، ۱۳۸۵، ص ۳۳)؛ زیرا تلف از همه اسباب ناشی شده است و به صرف مقدم

بودن یکی، نمی توان آن را بر دیگری ترجیح داد.

نتیجه گیری

در اجتماع سبب و مباشر به شکل عرضی تاثیر سبب و مباشر به صورت هم زمان است. قانونگذار در قانون مجازات اسلامی سابق در فرض اجتماع سبب و مباشر به شکل عرضی، صرفا مباشر را مسئول می دانست، در حالیکه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در چنین فرضی، اصل بر تساوی مسئولیت آنان است، مگر اینکه تاثیر رفتارشان متفاوت باشد. در فقه نیز بسیاری از فقها معتقدند ملاک اصلی مسئولیت و میزان آن استناد است، به گونه ای که خسارت وارد شده به هر یک از سبب و مباشر بیشتر استناد دارد، وی در ضمان مقدم خواهد بود. در واقع بنا به نظر بسیاری از فقها در فقه نیز هر کس که در ورود ضرر دخالت دارد، به مقداری که دخیل است مسئول خواهد بود، خواه سبب باشد، خواه مباشر. پذیرش معیار میزان تاثیر در مسئولیت مباشر و سبب در فرض اجتماع آنان، قابل تایید است؛ زیرا منطبق با عدالت و هدف مسئولیت مدنی است.

در اجتماع اسباب به شکل طولی قانونگذار همانند قانون مجازات اسلامی سابق، معیار سبب مقدم در تاثیر را ملاک قرار داده است. پذیرش مجدد چنین معیاری توسط قانونگذار قابل انتقاد است؛ زیرا به غیر از تبعیت و تعصب بی دلیل از سنت های فقهی از مبنا و دلیل منطقی دیگری برخوردار نیست. از نوع آوری های قانون مجازات اسلامی جدید در این فرض این است که در قانون سابق، قانونگذار در تعدد اسباب به شکل طولی، ولو اینکه تمام اسباب با قصد تلف و با عدوان اقدام به تلف می نمودند نیز صرفا سبب مقدم در تاثیر را ضامن می دانست، این درحالیست که در قانون مجازات اسلامی جدید، اگر همه قصد ارتکاب تلف را داشته باشند، تمامی اسباب مسئول خواهند بود، خواه موخر تاثیر باشند، خواه مقدم تاثیر.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیم‌خانی، محمدعلی؛ «مسئولیت مشترک و چند جانبه»؛ مجله کانون وکلا، زمستان ۱۳۸۴، شماره ۱۹۱، صص ۹۶-۱۱۱.
۲. ابن براج (قاضی)، عبدالعزیز طرابلسی؛ المهدب، ج ۲، چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ ه.ق.
۳. افتخاری، رضا؛ «مسأله اجتماع اسباب ضمان قهری در فقه مدنی و آثار آن وحدت و تعدد مسئولیت»؛ فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، ش ۱۷، پائیز ۱۳۸۷، صص ۹-۲۴.
۴. اصفهانی (مجلسی اول)، محمدتقی؛ یک دوره فقه کامل فارسی، چ ۱، تهران: مؤسسه و انتشارات فراهانی، ۱۴۰۰ ق.
۵. امامی، حسن؛ حقوق مدنی؛ ج ۲ و ۵، چ ۱، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸.
۶. الهیان، مجتبی و ریاحی، جواد و مختاری، علیرضا؛ «رابطه استناد و نحوه تقسیم مسئولیت در تصادم»؛ اندیشه‌های حقوق خصوصی، ش ۱۳، پائیز و زمستان ۱۳۸۷، صص ۳۱-۴۹.
۷. بهجت، محمدتقی؛ جامع المسائل، ج ۵، چ ۲، قم: دفتر مرحوم آیت الله العظمی بهجت.
۸. بهرامی، محمدکاظم؛ «قاعده تسبیب»؛ ماهنامه دادرسی، سال ششم، ش ۳۵، آذر و دی ۱۳۸۲، صص ۳۰-۳۵.
۹. جمعی از مؤلفان؛ فقه اهل بیت (ع)، ج ۵۲، چ ۱، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ۱۴۲۱ ق.
۱۰. خدابخشی، عبدالله؛ «توزیع خسارت در حقوق مسئولیت مدنی در فرض تعدد اسباب»؛ فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، دوره ۴۲، ش ۱، بهار ۱۳۹۱، صص ۱۰۹-۱۲۶.
۱۱. فرحی، علی؛ تحقیق در قواعد فقهی اسلامی، چ ۱، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰.
۱۲. قاسم زاده، مرتضی؛ مبانی مسئولیت مدنی؛ چ ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷.
۱۳. قربان پور، امیر مهدی؛ «تقصیر و رابطه سببیت در نظام مسئولیت مدنی»؛ مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۴، ۱۳۸۵، صص ۳۶۹-۳۷۹.
۱۴. شامبیاتی، هوشنگ؛ حقوق جزای عمومی؛ ج ۲، تهران: انتشارات ویستار، ۱۳۷۲.
۱۵. شعرانی، ابوالحسن؛ تبصره‌المتعلمین فی أحكام‌الدین، چ ۵، تهران: منشورات اسلامی، تهران، ۱۴۱۹ ق.

۱۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی؛ **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، ج ۱۵ و ۱۲، چ ۱، قم: موسسه المعارف الإسلامیه، ۱۳۴۱ق.
۱۷. صفایی، حسین و رحیمی، حبیب‌الله؛ **مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)**، چ ۱، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
۱۸. کاتوزیان، ناصر؛ **مسئولیت مدنی (الزام های خارج از قرارداد)**؛ ج ۱، چ ۸، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۱۹. کاتوزیان، ناصر؛ **دوره مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی)**؛ چ ۱۳، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.
۲۰. کاشف الغطاء، محمد حسین؛ **تحریرالمجله**؛ قم: مکتبه الفیروزآبادی، ۱۳۶۱.
۲۱. گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی؛ **مجمع المسائل**؛ ج ۳، چ ۲، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۰۹ق.
۲۲. طاهری، حبیب‌الله؛ **قواعد فقه**؛ ج ۱، چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷.
۲۳. طباطبایی حائری، سید علی بن محمد؛ **ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل**؛ ج ۱۴، چ ۱، قم: موسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۱۸ق.
۲۴. عالم زاده، محمد؛ «حکم اجتماع سبب و مباشر در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران»؛ **فصلنامه فقه و مبانی حقوق**، سال چهارم، ش ۱۲، ۱۳۸۷.
۲۵. علامه حلّی، حسن بن یوسف؛ **تذکره الفقهاء**؛ چ ۱، قم: موسسه آل‌البیت (ع)، ۱۳۸۸ق.
۲۶. عمید زنجانی، عباسعلی؛ **قواعد فقه (بخش حقوق خصوصی)**؛ ج ۱، چ ۴، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱.
۲۷. عمید زنجانی، عباسعلی؛ **موجبات ضمان (در آمدی بر مسئولیت مدنی و اسباب و آثار آن در فقه اسلامی)**؛ چ ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲.
۲۸. عیسائی تفرشی، محمد و شرافت‌پیما، محمدرضا و صادقی، محمود؛ «تأثیر همراهی قوه قاهره با تقصیر خواننده بر مسئولیت مدنی»؛ **فصلنامه مدرس علوم انسانی**، دوره ۱۱، ش ۴، ۱۳۸۶، صص ۱۹۳-۲۲۰.
۲۹. فاضل لنکرانی، محمد؛ **جامع المسائل**؛ ج ۲، چ ۱۱، قم: انتشارات امیر قلم، ۱۴۲۲ق.
۳۰. محقق اردبیلی، احمد بن محمد؛ **مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان**؛ ج ۱۳، چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.

۳۱. محقق داماد، سید مصطفی؛ «قاعده تحذیر»؛ مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ش ۵ پائیز ۱۳۷۱، صص ۲۴-۷.
۳۲. محقق داماد، سید مصطفی؛ قواعد فقه (بخش مدنی)؛ چ ۶، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۶.
۳۳. محقق حلی، جعفر بن حسن، نجم الدین؛ شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام؛ ج ۴، چ ۲، قم: موسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۳۴. محمدخانی، عباس؛ «نقدی بر یک رأی در خصوص سبب اقوی از مباشر»؛ مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۴، ش ۷۰، تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۰۹-۹۳.
۳۵. محمدی، ابوالحسن؛ قواعد فقه؛ چ ۱۱، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۰.
۳۶. مشایخی، قدرت الله؛ قاعده‌های فقهی؛ چ ۲، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵.
۳۷. مراغی، میر عبدالفتاح الحسینی؛ عناوین ضمان (اسباب و مسقطات)؛ ترجمه محمدجواد شریعت باقری، چ ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵.
۳۸. مرعشی شوشتری، سیدمحمدحسن؛ دیدگاه‌های نو در حقوق؛ ج ۲، چ ۲، تهران: نشر میزان، ۱۴۲۷ق.
۳۹. مطهری، مرتضی؛ فقه و حقوق (مجموعه آثار)؛ ج ۲۰، چ ۱، قم: موسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۲۰ق.
۴۰. موسوی الخویی، سید ابوالقاسم؛ مبانی تکمله المنهاج؛ ج ۴۲، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخویی، ۱۴۲۲ق.
۴۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله؛ تحریر الوسیله؛ ج ۲، چ ۱، قم: موسسه مطبوعات دارالعلم، ۱۴۲۱ق.
۴۲. نجفی، محمد حسن؛ جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ ج ۳ و ۳۷، چ ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۴۳. نقیبی، ابوالقاسم؛ «مطالعه تطبیقی ملاک ارزیابی خسارت در فرض تعدد اسباب ایراد خسارت در حقوق اسلامی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی حقوق و علوم سیاسی، ش ۲، ۱۳۸۶، صص ۷۵-۹۰.
۴۴. هاشمی، احمد علی؛ «اسباب متعدد در مسئولیت مدنی»؛ دوفصلنامه دانش حقوق مدنی، سال دوم، ش ۲، پائیز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۵-۱.